

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره ی مبارکه قدر

استاد ضرابی بهمن ۱۳۹۹

جلسه دوم ۹۹/۱۱/۵

آیه شریفه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ - ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم»

عنوان : نسبت کارگزاران به خداوند

مقصود از «إِنَّا» همانطور که در آیه چهارم این سوره شریفه تفصیل یافته «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» «رَبِّ» متعال و کارگزاران او از جمله «روح» و «ملائکه» الهی هستند. قبلاً گفته شد که نسبت خداوند به کارگزاران خود در مثل مانند صاحب صورت در آئینه‌های کوچک و بزرگی است که هر کدام به اندازه ظرفیت خود جنبه‌هایی از وجود او را نمایش می‌دهند و در این آئینه‌ها وجودی غیر از صاحب صورت نیست.

روح و ملائکه و سایر مخلوقات خداوند مظاهری از اسماء جمال و جلال او هستند که در مراتب مختلف به اراده و خواست او عمل می‌کنند. همه آفریده‌های پرودگار متعال عین ربط و تعلق به او بوده، لحظه به لحظه از او کسب فیض کرده، در اصل وجود و خواص و آثاری که دارند، به او وابسته‌اند؛ آن چنان که هیچ استقلالی در وجود خود ندارد. برای آن که نقش اراده، علم و قدرت مخلوقات درست تبیین شده، عقاب و ثواب الهی و نقش ایمان و کفر و سایر امور بهتر روش شود، می‌باید مباحث مفصل‌تری پیگیری گردد.

در سوره مبارکه توحید به بخش‌هایی از این مباحث پرداخته شد، اکنون در این سوره شریفه خداوند به معرفی نقش کارگزاران خود پرداخته، به نزول دفعی قرآن

کریم بر قلب مطهر پیامبرش اشاره دارد و نیز از کارگزاری ملائکه در کل امور عالم سخن می‌گوید.

حُسن روی تو به يك جلوه که در آینه کرد این همه نقش در آئینه او هام افتاد
این همه عکس می و نقش و نگاری که نمود يك فروغ رخ ساقیست که در جام افتاد

عنوان : ارتباط روح و ملائکه با انسان

به اذن خداوند، فرشتگان در تدبیر امور عالم در بعد تکوینی و در امر هدایت در بعد تشریعی و سایر امور ایفای نقش می‌کنند «... لا یَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَ یَفْعَلُونَ مَا یُؤْمَرُونَ»... (فرشتگانی که) خدا را در آنچه امر می‌کند مخالفت نمی‌نمایند و مأموریت خود را به نحو احسن انجام می‌دهند» (تحریم/۶) ، «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (فرشتگانی که به اهل بهشت می‌گویند) سلام بر شما به خاطر آنکه صبر کردید، پس نیکوسرایی است خانه آخرت برای شما،
«(رعد/۲۴)

در قرآن کریم کارهای متنوع فراوانی برای فرشتگان شمرده است؛ مانند استغفار و شفاعت برای مؤمنان، امداد آنان، لعن کافران، ثبت اعمال بندگان، قبض روح آنان در هنگام مرگ، مأموریت های الهی آنها در عالم برزخ و آخرت، آنها که در بهشت مستقرند، گروهی که نگهبان دوزخ‌اند.

امام صادق (ع) فرمود: «خدای عز و جل ملائکه را از نور آفریده است.» (بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۳۰۶، ح ۱۵)

اسرافیل و جبرئیل و میکائیل را از یک تسبیح آفرید و برایشان گوش و چشم و تیزی عقل و سرعت فهم قرار داد (نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۵۰، ح ۲۱). ملائکه آب و طعام نمی‌خورند، و ازدواج ندارند، و تنها با نسیم عرش، زنده‌اند.

در داستان ابراهیم (ع) آمده است که چند نفر از فرشتگان الهی نزد او آمدند و بشارت تولد فرزند برای او آوردند و بر او سلام کردند (هود - ۶۹)

امیر المؤمنین (ع) در باره خلقت ملائکه فرموده: «خدایا ملائکه را بیافریدی، و در آسمانت جای دادی، ملائکه‌ای که نه در آنان سستی هست و نه غفلت، و نه در ایشان معصیتی مفهوم دارد. آری آنها داناترین خلق تو به تو هستند و ترسنده‌ترین خلق تو از تو، و مقرب‌ترین خلق تو به تو، و عامل‌ترین خلق تو به فرمان تو، نه خواب بر دیدگان ایشان مسلط می‌شود، و نه سهو عقول، و نه خستگی بدن‌ها، ایشان نه در پشت پدران جای می‌گیرند، و نه در رحم مادران، و نه خلقتشان از ماء مهین است، بلکه تو ای خدا ایشان را به نوعی دیگر ایجاد کرده‌ای، و در آسمانهایت منزل دادی، و با جای دادنت در جوار خود اکرامشان کرده‌ای، و بر وحی خود امین ساختی، و آفات را از ایشان دور کردی، و از بلاها محافظتشان فرمودی...» (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۷).

از امیر المؤمنین (ع) روایت شده که فرمود: «و يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَ هُمْ لَا يُفْرَطُونَ» - احدی از مردم نیست مگر آنکه با او چند فرشته است، که وی را از اینکه در چاهی سقوط کند، و یا دیواری به رویش فرو ریزد، و یا ناملایمی به او برسد، حفظ می‌کنند، و این مراقبت را در طول عمر او ادامه می‌دهند تا اجلش فرا رسد، در میان او و آنچه به او میرسد رهاکنند و مانع نشوند.» (بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱، ح ۲، ج ۷۹).

و در برخی از روایات می‌خوانیم که روح به معنای مخلوقی برتر از جبرئیل و میکائیل معرفی شده که همواره با پیامبر و امامان علیهم السلام بوده آنان را از هرگونه انحرافی باز می‌دارد. «اصبغ بن نباته» می‌گوید: مردی خدمت امام علی علیه السلام آمده گفت: روح چیست، آیا روح غیر از جبرئیل است؟ فرمود: جبرئیل از ملائکه بوده، قرآن می‌فرماید: «يُنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...» خداوند فرشتگان را به سبب روح (الهی) به فرمانش بر هرکس از بندگانش بخواهد نازل می‌کند...» (نحل/ ۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «روح آمیخته به بدن نمی‌باشد، بلکه پوششی است که بدن را احاطه نموده و فرمود: خداوند ارواح را دو هزار سال پیش از اجسام بیافرید» (تفسیر صافی، فیض کاشانی، ص ۲۹۳)

در ازل پرتو حُسنَت ز تجلّی دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
جلوه‌ای کرد رُخت، دید مَلَك عشق نداشت عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد

عنوان: تنزل قرآن چه پیامی دارد؟

«أَنْزَلْنَاهُ»: در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» و هیچ چیز در عالم نیست جز آنکه منبع و خزانه آن نزد ماست ولی ما از آن بر عالم خلق الاّ به قدر معین (که مصلحت است) فرو نمی‌فرستیم. (حجر/ ۲۱)

«وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ. نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ. عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ»- همانا این از جانب پروردگار جهانیان نازل شده است. روح الامین آن را بر قلب تو فرود آورده است، تا از ترسانندگان باشی. (شعراء/ ۱۹۴-۱۹۲)

پیامبر اسلام برای آنکه بتواند مردم را از حقایق پیش رویشان در ورود به عالم غیب آگاه کند باید آن حقایق را مشاهده نموده باشد. ملاّ صدرا در توضیح «نَزَلَهُ عَلَى قَلْبِكَ» (بقره/ ۹۷)، می‌گوید: «إِی نَزَلَ حَقَائِقُ الْقُرْآنِ وَانْوَارُ الْکِتَابِ عَلَى قَلْبِكَ بِالْحَقِیْقَةِ، مُتَجَلِّیَةً بِسَرِّکَ وَرُوحِکَ، لَا صُورَةَ الْفَافِظِ مَكْتُوبَةٍ عَلَى الْأَلْوَابِ - یعنی حقایق قرآن و پرتوهای آن را به وجود تو تابانید؛ نه به صورت کلمات قابل شنیدن، یا نوشته‌هایی بر لوحه‌های زمردین که قابل خواندن باشد. ...» (نصوص فی علوم القرآن، ۱/۲۵۵).

دلیل آن هم سخن خداوند است که می‌فرماید: «ما قرآن را به حق نازل کردیم؛ و به حق نازل شد». یعنی نزول حقیقی داشت نه صوتی و تصویری. و فرمود: «جبرئیل قرآن را بر قلب تو نازل کرده است». یعنی: حقایق و انوار کتاب را در حقیقت به قلب تو نازل کرده که در اسرار وجودت متجلّی است؛ اما نه به صورت کلمات نوشته شده بر سنگ‌ها و قابل خواندن برای هر خواننده‌ای به زبان سریانی و عبرانی».

آثار برکات نزول قرآن بر قلب انسان کمتر از نزول باران نیست که خداوند برای باران درچهره حقیقی برکاتی قرار داده که وقتی هزاران بار نازل‌تر و خفیف‌تر

می‌شود و به زمین میرسد زمین مرده را زنده کرده حیات و سرور می‌بخشد: «... وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا - ... از آسمان آبی فرو می‌فرستد و زمین را به وسیله آن، پس از مردنش زنده می‌کند». (روم/۲۴)

«وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ - زمین را بنگری وقتی خشک و بی‌گیاه باشد آن گاه چون باران بر آن فرو باریم سبز و خرم شود و (تخم‌ها در آن) نمو کند و از هر نوع گیاه زیبا برویاند. (حج/۵)

آثار و ثمرات نزول قرآن بر قلب انسان به مراتب از برکات نزول باران بر زمین بیشتر است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ - مؤمنان حقیقی آنانند که چون ذکری از خدا شود دل‌هایشان ترسان و لرزان شود و چون آیات خدا را بر آنها تلاوت کنند بر مقام ایمانشان بیفزاید و به خدای خود در هر کار توکل می‌کنند». (انفال/۲)

زیر و رو شده قلب‌ها و افزایش نور ایمان و برداشته شدن تکیه و اعتماد از غیر خدا، با مؤمنین متناسب با مرتبه و ظرفیت آن‌ها، همان می‌کند که با رسول (ص) خدا کرد.

هر دَمَش با من دلسوخته لطفی دگر است	این گدا بین که چه شایستهٔ انعام افتاد
زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت	کآنکه شد کشتهٔ او نیک سرانجام افتاد

عنوان : کدام پنهان‌تر؟ شب قدر یا فاطمه(س)؟

«فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» همان گونه که عظمت شب قدر برای انسان‌ها پنهان است، قدر و منزلت فاطمه (س) نیز پنهان است.

در روایت می‌خوانیم که امام صادق (ع) در تفسیر این آیه شریفه فرمود: - إنه قال: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ. اللَّيْلَةُ: فَاطِمَةُ وَالْقَدْرُ: اللَّهُ. فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا، فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطَمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا ... و قوله: وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، یعنی خیر من

الف مؤمن و هی ام المؤمنین. تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا و الملائکه المؤمنون الذین یملکون علم آل محمد(ص) و الروح القدس هی فاطمه. بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ. یعنی حتی یخرج القائم. - مراد از اللیلہ، حضرت فاطمه، است. القدر، «الله» است. پس هر کس که فاطمه و مقام ایشان، را به حقیقت بشناسد، حتماً شب قدر را درک کرده است. و علت نامگذاری آن حضرت به فاطمه، به خاطر این است که مردم از شناختنش، ناتوان هستند. اما معنای «لیلہ القدر، بهتر از هزار ماه است»؛ یعنی، بهتر از هزار مؤمن است و آن نیز ام المؤمنین حضرت زهرا (س) می باشد. مراد از ملائکه، مؤمنان عالم به علوم آل محمد و مراد از روح یا روح القدس همانا، فاطمه است و مراد طلوع فجر، ظهور حضرت مهدی و قائم، است. «(تفسیر فرات کوفی، ص ۵۸۱ - ۵۸۲)

مجهولیت شب قدر مانند غربت و مظلومیت صدیقه طاهره است. ابعاد وجودی و درجات تقرب و صورت نیلی و بازوی متورم و پهلوی شکسته و کودک کشته در رحم و شهادت و طول عمر و دفن در ظلمت شب و مزار مجهول و

بی جهت نیست که امام باقر فرمود: «يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ خَاصِمُوا بِسُورَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ تَقْلُجُوا فَوَ اللَّهُ إِنَّهَا لَحُجَّةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ إِنَّهَا لَسَيِّدَةُ دِينِكُمْ وَ إِنَّهَا لَعَايَةُ عَلِمَانَا يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ خَاصِمُوا بِ حَم وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ فَإِنَّهَا لَوْلَاهُ الْأَمْرُ خَاصَّةً بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) - ای گروه شیعیان! با سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ برهان آورید تا پیروز شوید. به خدا قسم! که این سوره پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دلیل خدای بزرگ بر مردم است و آن سوره از امتیازات دین شماسست و نهایت دانش ما. ای شیعیان! به وسیلهی سوره حم وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ با دشمنان خود استدلال کنید زیرا این سوره اختصاص به خلفای پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد.» (الکافی، ج ۱، ص ۲۴۹).

فاطمه زهرا (س) فریادی بلند است به بلندای همه تاریخ بشریت و آینده ای که تا قیامت کشیده می شود. نه فقط برای مخالفین اسلام بلکه برای دوستان بی وفا برای پیروان بی صبر و ... برای من شما و همه؛ مگر صدیقان و شهیدان.

ترا ز کنگره عرش میزنند صغیر
که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین
ندانمت که در این دامگه چه افتادست
نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است